

بررسی پدیده ترور و نفی و محکومیت آن از منظر امام خمینی (ره)^۱

یعقوب نعمتی وروجی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی (اندیشه‌های سیاسی) دانشگاه تهران
Yaqub.Nemati@gmail.com

چکیده

در عصر حاضر گروه‌هایی وجود دارند که به نام دین اسلام، به‌طور گسترده‌ای دست به اعمال خشونت آمیز می‌زنند. همین امر دستمایه‌ای شده است که دشمنان اسلام، این دین را به عنوان ایدئولوژی جنگ، خشونت و ترور به افکار عمومی جهانیان، معرفی کنند. از این رو بررسی پدیده ترور در اندیشه متفکرین بزرگ مسلمان می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت دیدگاه اسلام و پاسخگویی به شبهات وارده در این زمینه باشد. از آنجایی هم که امام خمینی، به عنوان ارائه دهنده نوین‌ترین و عمل‌گراترین نسخه از اسلام در سال‌های اخیر محسوب می‌شوند، آگاهی از دیدگاه ایشان در مورد پدیده ترور، در شناخت نظر اسلام نسبت به این پدیده بسیار حیاتی و راهگشا می‌باشد. در مقاله حاضر با روش تحلیل بیانات و اندیشه‌ها، رویکرد امام نسبت به ترور مورد بحث قرار گرفته و تلاش می‌شود به این سؤال که «دیدگاه امام خمینی در مورد ترور چیست؟» پاسخ داده شود. این بررسی نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان، ترور به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هر گونه هدفی، مطرود و محکوم است و هیچ فردی حق ندارد از آموزه‌های اسلامی برای توجیه اقدامات خشونت بار و تروریستی خود، سوء استفاده کند.

کلید واژه‌ها: ترور، خشونت، اندیشه سیاسی، محکومیت ترور و خشونت، امام خمینی.

۱. این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «ترور از دیدگاه اسلام با رویکردی به اندیشه امام خمینی (ره)» که در شهریورماه ۱۳۸۶ در پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، دفاع شده، استخراج گردیده است. پایان نامه مذکور در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات امیرکبیر با عنوان *ترور/از دیدگاه اسلام و امام خمینی (ره)* به چاپ رسیده است.

مقدمه

ترور، پدیده‌ی تازه‌ای نیست؛ بلکه می‌توان گفت قرون متمادی است که بشر با ترور دست و پنجه نرم می‌کند. در طول تاریخ، هم اقویا و هم ضعفا، برای ترساندن یکدیگر از ترور بهره جسته‌اند. تاریخ آکنده از اقدامات تروریستی است که جان بی‌گناهان بی‌شماری را گرفته، زندگی آنان را به خطر انداخته، امنیت خاطرشان را برهم زده و در زندگی‌شان اختلال ایجاد کرده است.

امروزه نیز با ترور و تروریسم رودررو هستیم و علاوه بر همان داستان دراز تاریخی استفاده از زور و خشونت و ترور برای رسیدن به اهدافی خاص، هم اینک گروه‌هایی وجود دارند که به نام دین اسلام، به‌طور گسترده‌ای دست به اعمال خشونت آمیز می‌زنند. همین امر دستمایه‌ای شده است که صاحبان زر و زور و تزویر جهانی، که دستگاه‌های تبلیغاتی، رسانه‌ها و مجامع بین‌المللی را در دست دارند، هر روز بیش‌ازپیش، اسلام را به تروریست پروری متهم کرده و آن را به عنوان ایدئولوژی جنگ، خشونت و ترور به افکار عمومی جهانیان، معرفی کنند. در این میان سؤالاتی مطرح می‌شود که آیا اسلام بیش از سایر ادیان، جنگ طلب است؟ آیا اسلام این‌گونه خشونت‌ها، ترور و نیز تروریست‌ها را می‌پذیرد؟ و آیا اسلام ایدئولوژی و مبنای نظری ترور و توسل به خشونت را فراهم می‌آورد؟

از سوی دیگر، در پی حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ واژه‌ی ترور و تروریسم بیش‌ازپیش در ادبیات سیاسی جهان به‌ویژه جهان اسلام کاربرد یافت. هرچند که این واژه قبل از آن نیز در ادبیات سیاسی مطرح بود ولی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، این واژه‌ها کاربرد تازه و بیشتری یافتند. کاربرد جدید آن، در مورد ادعای نسبت بین اسلام و ترور بود. و به عبارت روشن‌تر، اسلام از سوی غربیان به عنوان مهم‌ترین منبع برای ترور و تروریسم معرفی شد. از آنجا که به‌واسطه اقدامات خشونت آمیز بعضی از گروه‌های افراطی منتسب به اسلام، این مباحث هنوز هم ادامه دارد ضرورت یک بحث علمی و منطقی در مورد نسبت بین اسلام و ترور امری بسیار مهم محسوب می‌شود. در این رابطه، فقدان منابعی که به‌صورت علمی و تحلیلی، و با توجه به مبانی عقیدتی اسلام به این مسئله پرداخته باشند، به‌شدت احساس می‌گردد. به‌همین دلیل، بررسی پدیده ترور در اندیشه متفکرین بزرگ مسلمان می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت دیدگاه اسلام و پاسخ‌گویی به سؤالات مطروحه در این زمینه باشد. از آنجایی هم که امام، به عنوان ارائه

دهنده نوین‌ترین و عمل‌گراترین نسخه از اسلام در سال‌های اخیر محسوب می‌شوند، آگاهی از دیدگاه ایشان در مورد پدیده ترور، در شناخت نظر اسلام نسبت به ترور بسیار حیاتی و راهگشا می‌باشد.

در عین حال بررسی پدیده‌ی ترور در اندیشه امام خمینی، از جهات مختلفی سودمند خواهد بود. اولاً، اینکه ایشان یک اندیشمند بزرگ مسلمان بودند و در حوزه سیاست و امور سیاسی جامعه، دارای آراء و دیدگاه‌های حائز اهمیت هستند. همچنین، ایشان رهبر یک انقلاب بزرگ نیز بودند؛ انقلابی که توانست یکی از رژیم‌های استبدادی و دست‌نشانده را سرنگون سازد و نظامی بنام جمهوری اسلامی جایگزین آن نماید. علاوه بر رهبری انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، ایشان به مدت ده سال به اداره، سرپرستی و راهبری این نظام همت گماشت. نیازی به یادآوری نیست که امام از ابعاد شخصیتی مختلفی برخوردار بودند که ایشان را به حق در تاریخ معاصر ایران و اسلام، ماندگار ساخته است. ایشان عارف و فقیهی برجسته بودند که توانستند نخستین حکومت اسلامی براساس یک نظریه دینی و فقهی را بنیان نهند. ایشان آثار متعددی در حوزه مباحث عرفان، فقه، فلسفه، کلام و سیاست از خویش به یادگار گذاشته‌اند. امام، متفکری بزرگ بودند که به حوزه‌های مختلف علمی اشراف داشتند و همین ویژگی‌ها از امام شخصیتی جامع‌الاطراف ساخته است و اندیشه ایشان را از عمق و غنا و ماندگاری خاصی برخوردار کرده است. از طرف دیگر، امام، به‌عنوان یک مصلح دینی در جهان معاصر، الگویی برای مسلمانان جهان محسوب می‌شوند، زیرا تلاش نمودند بین مذهب و سیاست در جهان معاصر، پیوندی مجدد برقرار سازند و جایگاه معنویت و دین‌گرایی را احیا نموده و رابطه‌ی تخریب‌شده دین و دنیا و عقل و دین را بازسازی کنند و از مدلی از توسعه و پیشرفت که بتواند انسانیت انسان را ارتقا بخشد و معنویت و پیشرفت را در کنار هم داشته باشد، حمایت نمودند.

با این اوصاف، هدف از مقاله حاضر این است که بدانیم امام چه رویکردی به پدیده‌ی ترور و تروریسم دارند و در برابر آن چه موضعی اتخاذ می‌کنند. در پی این هستیم که مفهوم ترور را از دیدگاه ایشان تعریف نماییم و سپس جهت‌گیری ارزشی‌شان در برابر این پدیده را بررسی کرده و در صورت امکان، نظر قطعی و صریح امام نسبت به این پدیده را مورد شناسایی قرار دهیم. از آنجایی که ترور در حالت کلی، پدیده‌ای سیاسی است، پس بهترین کار این است که در اندیشه سیاسی ایشان، به دنبال بررسی این پدیده باشیم، فلذا تمرکز اصلی ما در این پژوهش، بر روی

اندیشه سیاسی امام خواهد بود.

روش گردآوری داده‌های پژوهش حاضر، به صورت کتابخانه‌ای است. یعنی داده‌های خود را از منابع مکتوب، به دست آورده‌ایم. از آنجایی که موضوع اصلی بحث ما در این نوشتار، شناخت و به نوعی درک اندیشه‌هاست، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظری بهره گرفته‌ایم. از این دیدگاه، پژوهش را می‌توان تحقیقی منظم در متون و معرفتی برای فهم دقیق‌تر اندیشه‌ها، دانست. لذا هم به توصیف، توضیح و تشریح، و هم به تحلیل داده‌ها و اندیشه‌ها پرداخته‌ایم. در این نگاه، تشریح، نوعی متن پژوهی است که با بسط دادن و روشن ساختن ابعاد دارای ابهام متن است و نوعی واضح‌سازی و برجسته‌سازی ابعادی خاص از اندیشه را به همراه دارد. در روش توصیفی، توصیف، ضبط، تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت منظم و مدون، مدنظر است. همچنین از روش عقلی (برهانی)، نیز استفاده شده است. در روش‌های عقلی، اساس تحقیق را برهان، قیاس، استدلال و استنباط و گاه استقراء تشکیل می‌دهد و علاوه بر محسوسات، به پدیده‌های غیر محسوس نیز توجه می‌شود. منظور از روش عقلی، در اصل مجموعه روش‌هایی است که بر اساس تعقل و استدلال صورت می‌گیرد و از شیوه‌های منطقی پیروی می‌کند. این روش بر برهان و استدلال متکی بوده و نوعی شناخت عام و کلی و جهانشمول به دست می‌دهد و به دلیل ماهیت خود، از جنبه توصیف گذشته، بُعد تحلیلی و نظری به خود می‌گیرد و گاه سرانجام به بعد هنجاری و تجویزی می‌رسد و در این روش، به جای واقعیت‌ها به‌طور عمده بر حقیقت و مطلوبیت تأکید می‌شود. در مواردی نیز از روش تطبیقی و تطبیق مفاهیم استفاده شده است، یعنی پدیده‌ها به مؤلفه‌های بنیادین آن تجزیه شده و این مؤلفه‌ها و عناصر با یکدیگر مقایسه گشته و نسبت و رابطه بین دو پدیده و مفهوم بیان شده است.

همان‌طور که اشاره شد امام خمینی با توجه به جامعیت مکتب فکری خود، نسبت به پدیده ترور نظر دارد و می‌توان نظر ایشان را در این باره بیان کرد. از این رو در مقاله حاضر رویکرد امام نسبت به ترور مورد بحث قرار گرفته است. پس از بحث مختصری در مورد تعاریف ارائه شده از پدیده‌ی ترور، از لابلای سخنان و بیانات امام خمینی، تعریف ترور و نظر ارزشی ایشان نسبت به ترور و همچنین مواضع عملی‌شان در برابر اقدامات تروریستی استخراج می‌شود.

لازم به ذکر است در مورد رویکرد امام نسبت به ترور، هیچ منبعی یافت نشده و به نظر می‌رسد که در این باره قبلاً هیچ‌گونه اثری منتشر نشده باشد و یا اینکه نگارنده به آن دسترسی

پیدا نکرده است. از این رو، شاید پژوهش حاضر (در زمان انجام آن)، اولین نوشته در این مورد باشد.

تعریف لغوی و اصطلاحی ترور

از پدیده‌ی ترور «Terror» که در لغت به معنای ترس و وحشت است (علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴)، تعاریف متعددی به عمل آمده است. در این قسمت بر تعاریف مختلف از ترور مروری خواهیم داشت. داریوش آشوری، در *دانشنامه سیاسی* در تعریف ترور چنین می‌گوید:

ترور، در لغت، در زبان فرانسه، به معنای هراس و هراس افکنی است. و در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور می‌گویند و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود، دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور نامیده می‌شود. همچنین ترور به معنای کشتار سیاسی نیز به کار می‌رود. (آشوری، ۱۳۷۳: ۹۹-۹۸).

فرهنگ جامع سیاسی نیز بیان می‌کند:

ترور، به معنای ترس و وحشت است و در اصطلاح عام بیشتر به قتل‌های سیاسی گفته می‌شود که البته معنای واقعی این واژه نیست. (طلوعی، ۱۳۷۷: ۳۵۶).

همچنین آلن بیرو در *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترور را به معنای حالت و یا احساس ترس دسته‌جمعی می‌داند که خشونت و کشتار بی حساب موجب آن است. (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۲۶). فرهنگ علوم سیاسی نیز این تعریف را از ترور ارائه می‌دهد:

ترور به معنای وحشت و ترس زیاد است. همچنین در معنی حزب یا جنبشی که باعث حالت ترور شود به کار رفته است. اصطلاحاً به حالت وحشت فوق‌العاده‌ای اطلاق می‌شود که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به منظور نیل به هدف‌های سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت است. (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۳).

با بررسی تعاریف مذکور در می‌یابیم که ترور هم به یک حالت و نیز اقدام خاص اشاره دارد. منظور از حالت، وضعیت ترس و هراس است که از دست زدن به اقدامات خاص که تروریستی نامیده می‌شوند، ناشی می‌گردد. پس می‌بینیم که ایجاد ترس، وحشت و هراس اجزای لاینفک ترور است. پس به صورت کلی می‌توان ترور را این‌گونه تعریف کرد: «رفتار، فرد، گروه، حزب و

یا دولت که از طریق خشونت و قتل و خونریزی و ایجاد ترس و وحشت می‌خواهد به هدف‌های سیاسی خود برسد.»

پدیده ترور در دیدگاه امام خمینی

در این قسمت، درصدد هستیم که مفهوم ترور را در اندیشه امام مورد بررسی قرار دهیم و رویکرد ارزشی و سیاسی ایشان را نسبت به این پدیده مشخص سازیم. به نظر می‌رسد که بایستی تمرکز عمده بر دوران رهبری سیاسی ایشان (از پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان ارتحال) و به‌ویژه سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ باشد. چرا که ایشان در این برهه زمانی، به طور مستقیم با پدیده ترور مواجه شدند. در طی این سال‌ها تعداد زیادی از نزدیک‌ترین، بهترین و شاخص‌ترین یاران امام، توسط گروه‌های ضد انقلاب ترور شدند و به شهادت رسیدند. فلذا در این برهه زمانی، قاعدتاً شاهد برخورد و اعلام موضع صریح امام در برابر ترور هستیم.

در این میان مهم‌ترین منبعی که می‌توان به آن رجوع کرد، *صحیفه امام* است. این اثر بیانگر افکار، اندیشه، راهبرد، مدیریت و ساز و کارهای سیاسی ایشان در دوره نهضت اسلامی است. پس مهمترین منبع ما در بررسی پدیده ترور از دیدگاه امام، *صحیفه امام* خواهد بود.

تعریف ترور از دیدگاه امام خمینی

به استناد نمایه‌ای که در انتهای دوره بیست و دو جلدی *صحیفه امام* درج شده است، واژه‌ی ترور به تنهایی یا به صورت ترکیب مانند «ترور اشخاص»، «ترور انقلاب»، «ترور روحانیت»، «ترور علما»، «ترور مجاهدان»، «ترور مظلومان»، «ترور وحشیانه»، «ترورها»، «تروریستها» و «تروریسم امریکایی»، جمعاً به تعداد ۱۰۳ بار آمده است.

برای ارائه تعریفی از ترور از منظر امام، بایستی تمام موارد کاربرد این واژه توسط ایشان را بررسی کنیم. حتی یک بررسی اجمالی و مطالعه مختصر این موارد، نشان می‌دهد که تعریف امام از ترور، بسیار نزدیک به تعریف علمی و کلاسیک و متعارف از پدیده ترور است. لازم به ذکر است که ایشان، هیچ‌گاه به تعریف ترور و تروریسم نپرداخته‌اند، بلکه با بررسی بیانات ایشان و از محتوای کلام ایشان، می‌توان تعریفی از ترور از دید ایشان ارائه داد.

طبق تعریفی که ارائه شد، ترور که از نظر لغوی، به معنای هراس و وحشت است، اصطلاحاً

به رفتار فرد، گروه، حزب و یا دولت اطلاق می‌شود که از طریق خشونت، قتل، خونریزی، ایجاد ترس و وحشت می‌خواهد به هدف‌های سیاسی خود برسد. براساس این تعریف عام، عناصر اصلی ترور و یک رفتار تروریستی عبارتند از: خشونت، قتل، خونریزی و ایجاد ترس و وحشت به منظور رسیدن به یک هدف به‌طور عمده سیاسی.

با بررسی بیانات امام، به‌خوبی می‌توان دید که ایشان، به ابعاد مسئله اشراف کامل دارند و تمام عناصر این تعریف علمی از ترور، در سخنان‌شان نیز مشاهده می‌شود. در بیانات امام درباره‌ی ترور، به‌طور غیرمستقیم به عناصر ترور و رفتار تروریستی و به نوعی به تعریف علمی و متعارف از ترور، اشاره شده است.

اولین عنصری که برای پدیده ترور و یک رفتار تروریستی برشمردیم، عبارت بود از خشونت، قتل و خونریزی. در بیانات امام نیز به‌وضوح به این عنصر، یعنی خشونت، قتل و خونریزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های پدیده ترور اشاره شده است:

قدرتهای شیطانی مستقیماً و به‌وسیلهٔ عمال فاسد و سرسپرده و یا جاهل بی‌ارادهٔ ... از هیچ وسیله‌ای گرچه مفتضح و واضح الفساد دریغ نکردند، از ترور کور اشخاص بیگناه کوچک و بازار تا انفجارهای منجر به قتل خردسالان و کهنسالان... (امام خمینی، ۱۳۷۹ ج ۱۹: ۱۴۷-۱۴۶).

ایشان در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، در سخنرانی مراسم بزرگداشت شهادت استاد مطهری، چنین فرمودند: «دلیل عجز شماس است که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۸۳).

همچنین در سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی زمان رژیم پهلوی در تاریخ ۱۱ آبان ۵۸ بیان داشتند:

بفهمانید به اینهایی که این طور کارهای ناجوانمردانه می‌کنند... بلکه این نحو کشتن که به‌طور ناگهانی و دزدکی می‌کشند، این دلیل بر شکست آنهاست. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۴۴۱)

به‌خوبی مشخص است که در دیدگاه ایشان نیز، مؤلفه اولیه و اصلی ترور، خشونت، قتل و خونریزی است؛ به‌ویژه اینکه، بر ناگهانی و مخفیانه بودن این نوع اقدامات نیز تأکید کرده‌اند. مؤلفه بعدی یک عمل تروریستی، تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و جامعه

است. ایجاد رعب و هراس در جامعه و نیز بین دولت‌مردان و حکام، وسیله‌ای برای تسهیل و نیل به اهداف مرتکبین اعمال تروریستی است. امام نیز در بیانات خود، به این عنصر یعنی مؤلفه ایجاد ترس، وحشت و ارباب از طریق دست زدن به قتل، خشونت و خونریزی اشاره داشته‌اند: ترویست‌ها نمی‌توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند. آنان بدانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم‌تر می‌شود... اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بدگمان کرده‌اند... (امام خمینی، ۱۳۷۹ ج ۷: ۱۷۹).

همچنین ایشان در جایی دیگری فرمودند:

نترسند از اینکه این افشار ضعیف به جنبش درآیند و به خیال خود برای ارباب ملت ترور می‌کنند. ملت ما هرگز از این معانی نمی‌ترسد، و نهضت ما هرگز ترور نمی‌شود. ترور اشخاص، ترور نهضت نیست... هرگز ما نمی‌ترسیم از این ترورها، هرگز به عقب بر نمی‌گردیم؛ و هرگز اجازه نمی‌دهیم شرق و غرب دخالت کند در مملکت ما... (امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۷: ۵۰۵).

همچنین در تاریخ ۲۹ آذر ۵۸، در جمع فرماندهان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چنین فرمودند:

کارهای غیر عقلایی که می‌کنند، می‌بینید که به نفع ما تمام می‌شود... ترور می‌کنند به خیال اینکه ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، می‌بینند که شجاعتشان افزون می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۵۶)

با بررسی این بیانات مشخص می‌شود که در تعریف ایشان از ترور، علاوه بر عنصر قتل، خونریزی و خشونت، مسئله ایجاد رعب، وحشت و هراس نیز وجود دارد و ایشان به خوبی شاهد بودند که تروریست‌ها در پی ایجاد رعب، وحشت و هراس هستند. پس تا اینجا تعریف امام، به تعریف مصطلح در علوم سیاسی، بسیار نزدیک می‌شود.

گفته شد که ترور به رفتارهایی اطلاق می‌شود که از طریق قتل، خونریزی، خشونت و ایجاد رعب و وحشت، به دنبال رسیدن به اهداف سیاسی است. پس عنصر مکمل و متمم تعریف پدیده ترور، داشتن هدف به‌ویژه هدفی سیاسی است؛ یعنی همواره، عمل تروریستی در پی

رسیدن به هدفی صورت می‌گیرد و قتل، خشونت، خونریزی و ایجاد رعب، وحشت و هراس، وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی، بالاخص سیاسی است.

امام نیز در بیانات خود، به هدفدار بودن اقدامات تروریستی اشاره کرده‌اند و معتقدند که تروریست‌ها با توسل به اقدامات تروریستی، به دنبال رسیدن به هدف سیاسی هستند. ایشان در سخنرانی ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ در مدرسه فیضیه قم، در این باره چنین گفتند:

این نوکرهای چپ و راست - این انگلها، این چپاولگران و معاونین چپاولگران - بدانند این حرکات مذبوحانه را نمی‌توانند ادامه دهند. با ترور شخص میدان برای آنها باز نخواهد شد... ترور برای شما فایده ندارد. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۳۲)

ایشان در جایی دیگر نیز به مساله هدف سیاسی برای ترور چنین اشاره نمودند:

امریکا بدگمان کرده است که با کشتن و ترور می‌تواند کاری انجام بدهد. کمونیستهای ساختگی... مکتبهای انحرافی... ریشه‌های گندیده رژیم سابق بد خیال کرده‌اند که می‌توانند با ترور جلو احساسات ملت ما را بگیرند... اگر ما ترور بشویم ملت ما هست... نهضت ما زنده است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۹۱)

از این بیانات به خوبی می‌توان فهمید که از نظر امام، قتل، خونریزی، ایجاد رعب و هراس، زمانی عنوان ترور به خود می‌گیرد که با یک هدف سیاسی صورت پذیرد. ایشان در این کلام به ماهیت اساساً سیاسی پدیده ترور اشاره کرده‌اند و این امر می‌تواند به خوبی، مرز بین یک قتل عادی و یک اقدام تروریستی را مشخص سازد.

با بررسی بیانات و سخنان امام درباره‌ی ترور، به این نتیجه می‌رسیم که تعریف ایشان از ترور، بسیار نزدیک و شاید کاملاً منطبق با تعریف علمی و مصطلح در علوم سیاسی باشد؛ گرچه به‌طور واضح و صریح و مستقیم، ترور را تعریف نکرده‌اند ولی به‌راحتی می‌توان از بیانات ایشان فهمید که تعریف‌شان، منطبق با تعریف متعارف از ترور است، و این امر، نهایت عمل‌گرایی سیاسی و وسعت نظر و بینش امام را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که از دیدگاه امام نیز ترور به رفتار فرد، گروه، حزب یا دولتی اطلاق می‌شود که از طریق خشونت، قتل و خونریزی ناگهانی و مخفیانه و ایجاد رعب و ترس و وحشت، می‌خواهد به اهداف سیاسی خود برسد.

رویکرد امام خمینی نسبت به ترور

دیدیم که تعریف مد نظر امام از ترور، بسیار نزدیک و شاید از جهاتی عیناً مشابه با تعریف علمی و مصطلح از ترور در علوم سیاسی می‌باشد. پس از یافتن معنای واژه ترور در اندیشه امام، در این قسمت، به دنبال این هستیم که از لابلای بیانات و سخنان ایشان، نظر ارزشی‌شان را درباره این پدیده بررسی کنیم.

حتی با نگاهی اجمالی به بیانات ایشان درباره‌ی ترور، به راحتی می‌توان فهمید که امام، نظری بسیار منفی درباره‌ی این پدیده داشته‌اند. به روشنی مشخص است که هر جایی امام از ترور و تروریسم صحبت کرده‌اند، لحن ایشان حاکی از نفرت و بیزاری از این پدیده است.

امام خمینی، به صراحت، ترور و اقدامات تروریستی را رفتاری غیر انسانی معرفی می‌کنند. از نظر ایشان، ترور، اقدامی غیر انسانی و در عین حال بسیار ناجوانمردانه است:

تروریستها نمی‌توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند... اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند... بد گمان کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۷۹)

بفهمانید به اینهایی که این‌طور کارهای ناجوانمردانه می‌کنند... بلکه این نحو کشتن که به طور ناگهانی و دزدکی می‌کشند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۴۴۱)

از طرف دیگر، ایشان معتقدند که ترور، اقدامی احمقانه و ناشی از حماقت و نهایت بی‌عقلی است و بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر ایشان، افراد واقعاً عاقل، هیچ وقت دست به ترور و اقدامات تروریستی نمی‌زنند:

حالا شخصیتها را ترور می‌کنند، خیال می‌کنند، و در عین حالی که دیدند که یک شخصیتی را که ترور می‌کنند سرتاسر ایران تظاهر می‌کند و قویتر می‌شوند، مع ذلک از بی‌عقلیشان باز این کار را انجام می‌دهند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۵۱-۳۵۰)

ایشان همچنین در سخنرانی خود در تاریخ ۲۹ آذر ۵۸ در مورد غیر عقلانی بودن ترور چنین فرمودند:

... اینها و کارهای غیر عقلایی که می‌کنند، می‌بینید که به نفع ما تمام می‌شود... ترور می‌کنند به خیال اینکه ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، می‌بینید که شجاعتشان افزون می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۵۶)

از آنجایی که از نظر امام، ترور عملی غیرانسانی، غیرعقلانی و احمقانه است، پس ناشی از نداشتن منطق نیز هست و دلیل اینکه بعضی‌ها به اقدامات تروریستی دست می‌زنند، این است که آنان منطق ندارند:

دلیل عجز شماسست که در سیاهی شب، متفکران ما را می‌کشید، برای اینکه منطق ندارید. اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است... (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۸۳)

از طرف دیگر، و علاوه بر موارد فوق، امام معتقد بودند که دست زدن به ترور ناشی از ضعف، شکست و زبونی است و فقط شکست خوردگان، زبوانان و افرادی که در برابر منطق، احساس ضعف و شکست می‌کنند و در نتیجه به علت نداشتن پایگاه مردمی، شکست خورده‌اند، به اقدامات تروریستی دست می‌زنند. از این رو، ایشان ترور را کاری مذبحانه می‌دانند:

اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیرانسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بدگمان کرده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۷۹)

ایشان در سخنرانی روز ۲۴ تیرماه ۵۸ در جمع اساتید دانشگاه اصفهان و انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور، به صراحت اعلام کردند کسانی که خود را ضعیف و از بین رفته می‌بینند، به اقدامات تروریستی متوسل می‌شوند:

دلیل مأیوس شدن، این دست زدن به این ترورها و به این کارهای خرابکاری است... اینها دلیل بر ضعف است. کسی که خودش را دیگر ضعیف می‌داند و از بین رفته می‌داند، به این امور تخریبی دست می‌زند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۹: ۹۵)

همچنین امام در سخنرانی خود به مناسبت ترور و شهادت محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر، در جمع اقشار مختلف مردم در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۶۰، دست زدن به اقدامات تروریستی را نهایت ضعف و زبونی ترورگران می‌دانند. پس از نظر ایشان، افرادی که قدرتمند باشند؛ یعنی به قدرت منطق یا قدرت حمایتی مردمی مجهز باشند، به این اعمال زبوانه دست نمی‌زنند، بلکه فقط آنهایی که در نهایت ضعف باشند، از شیوه‌های تروریستی استفاده می‌کنند:

و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می‌دهند، یک بمب در یک جا منفجر کردن، یک بچه دوازده ساله هم می‌تواند او را بگیرد، یک جایی بگذارد و

خود او هم منفجر بشود. این قدرتی نیست، این کمال ضعف است. (امام خمینی، ۱۳۷۹،

ج ۱۵: ۱۳۹)

از نظر ایشان، نه تنها افراد، بلکه حتی دولت‌هایی هم که احساس ضعف می‌کنند، به ترور پناه می‌برند:

امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را... به آزمایش گذاشته‌اند. (امام

خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۱۲۰)

از سوی دیگر، ایشان تروریست‌ها را افرادی می‌دانند که از درک مسیر صحیح عاجز گشته‌اند. از نظر ایشان، ترور مکتبی انحرافی است و توسل به اقدامات تروریستی و ترورگری را از جمله ویژگی‌های منحرفین و گمراهان می‌دانند:

امریکا بد گمان کرده است که با کشتن و ترور می‌تواند کاری انجام بدهد. کمونیست‌های ساختگی... مکتب‌های انحرافی... ریشه‌های گندیده رژیم سابق بد خیال کرده‌اند که می‌توانند با ترور جلو احساسات ملت ما را بگیرند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۹۱)

این چه انگیزه‌ای دارد که اینها به این جنایت دست می‌زنند؟ اینها همه برای این است که خدای تبارک و تعالی اینها را کر و کور کرده است. اینها را از آن ادراک راه صحیح محروم کرده است. یعنی خودشان اسباب محرومیت را فراهم کردند. (امام خمینی،

۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۳۴)

علاوه بر موارد ذکر شده، از نظر امام، ترور اقدامی چپاول‌گرانه و هم‌ردیف غارت است و در عین حال مساوی با فساد و مفسده بوده و وسیله و شیوه‌ای مفتضح است:

هر جا توانستند عملاً هم خرابکاری کردند، مثل کردستان، خوزستان، اینجاها عملاً هم مشغول به فساد و مفسده شدند... عده‌ای از سربازها به شهادت رساندند... مرحوم آقای قاضی طباطبایی... آنها این طور اشخاص را یکی یکی ترور می‌کنند و منظور این

است که مایوس کنند شما را. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۴۵۲)

بنابراین می‌بینیم که از نظر ایشان، نه تنها ترور مساوی با غارت، فساد و چپاول‌گری است، بلکه یا قدرت‌های شیطانی و یا افراد فاسد سرسپرده و یا جاهلان بی‌اراده، از این شیوه‌ها برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

با بررسی بیانات امام به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه ایشان، ترور عملی غیرانسانی است و انسان کرامت و ارزش خاصی دارد و از این رو تنها افرادی که به حضيض ذلت افتاده‌اند به اقدامات غیرانسانی دست می‌زنند. از طرف دیگر ایشان، ترور را غیرعقلانی و احمقانه می‌دانند، پس ترور نشان دهنده این است که فرد از ندای فطرت و عقل خود دور شده و رو به سوی فساد و مکاتب انحرافی آورده و اراده خود را از دست داده و به وادی جهالت افتاده است. از این رو، نداشتن منطق، احساس ضعف، زبونی و شکست خوردگی است که موجب می‌گردد فرد به اعمال و اقدامات تروریستی دست بزند. امام، ترور را مساوی با فساد و مفسده، چپاول و غارت می‌دانند و معتقدند افرادی که از ادراک مسیر صحیح و پیمودن راه کمال انسانی عاجز شده و به ورطه انحراف و گمراهی افتاده و البته خود اسباب محرومیت خود از هدایت الهی را فراهم کرده‌اند، برای رسیدن به اهداف غیر انسانی خود به ترور متوسل می‌شوند.

با این اوصاف، پر واضح است که ایشان که به ارزش والای انسانی اعتقاد دارند و عقل انسانی را هم‌ردیف وحی الهی می‌دانند و تمام تلاش‌شان، هدایت انسان به سوی کمال برین بوده است، به هیچ وجه نمی‌توانند با پدیده‌ی ترور موافق باشند. با تعریفی که امام از ترور دارند و با اوصافی که در مورد دیدگاه ایشان به ترور برشمردیم، مسلم و واضح است که ایشان با قاطعیت تمام، ترور را محکوم می‌کنند و توسل به شیوه‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف سیاسی را نه تنها نادرست می‌دانند، بلکه به شدت با آن مخالف بوده و بنا به دلایل شرعی، اخلاقی و انسانی، ترور، تروریسم و هرگونه اقدام تروریستی را محکوم می‌نمایند.

مصادق عینی مخالفت امام با ترور

در عین حال نحوه‌ی برخورد امام با درخواست سازمان مجاهدین خلق (منافقین) برای کسب حمایت ایشان از نحوه‌ی مبارزه مسلحانه این سازمان با رژیم پهلوی (به‌کارگیری شیوه‌های ترور گرانه) را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق عینی مخالفت امام با ترور و کاربرد شیوه‌های تروریستی، معرفی کرد.

بر اساس نوشته‌های یکی از اعضای برجسته این سازمان (راستگو، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶) و همچنین طبق روایت حجت الاسلام سید محمود دعایی (جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۷۶) در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰، دو تن از اعضای اصلی این سازمان بنام‌های حسین روحانی و تراب حق شناس طی

چند ملاقات چند ساعته با امام در نجف، کوشیدند تا حمایت ایشان از ترورها و نوع مبارزه‌شان را به دست بیاورند، ولی نتوانستند موافقت امام را کسب کنند. این عدم موافقت امام در شرایطی ابراز می‌شد که در آن سال‌ها هنوز سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، ظواهر و مدعیات اسلامی خود را حفظ می‌کرد و از سوی دیگر، به اصطلاح در حال مبارزه با رژیم پهلوی بود؛ ولی امام به واسطه ملاحظاتی از جمله درک التقاط و انحراف در ایدئولوژی این سازمان (جعفریان، ۱۳۸۰: ۳۷۶) و همچنین نفی بنیادین و مخالفت اصولی با ترور، کاربرد شیوه‌های ترورگرانه حتی در مبارزه با رژیم پهلوی را نیز جایز ندانستند.

امام خمینی و اشاره‌ای به دیدگاه اسلام درباره‌ی ترور

حضرت امام نظر اسلام را در برابر ترور نیز بیان می‌کنند؛ علاوه بر اینکه، ایشان شخصاً به عنوان یک از بزرگ‌ترین اسلام‌شناسان، فقها و اندیشمندان اسلامی، نظر شخصی خود را در مورد ترور بیان داشته و حکم اسلام درباره ترور را نیز گفته‌اند. از این رو بارها فرموده‌اند که اسلام ترور را باطل می‌داند. از نظر ایشان، منطق اسلام اجازه ترور نمی‌دهد:

اگر منطق داشتید که صحبت می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است! منطق اسلام ترور را باطل می‌داند. اسلام منطق دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۸۳)

شما مطمئن باشید که ملت ما مسلم است و مسلم تروریست نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۷۷)

مواضع عملی امام خمینی در برابر ترور

دیدیم که امام با نگاهی کاملاً ارزشی، اخلاقی و انسانی ترور را محکوم می‌کند. ایشان در طول مدت هدایت و راهبری نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در سال‌های آغازین نظام جمهوری اسلامی، به‌شدت با پدیده‌ی ترور و تروریسم، مواجه بودند و عده زیادی از بهترین یاران و شاگردان و پیروان ایشان، ترور شدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی جریان سازمان یافته‌ای از ترور از سوی گروهی بنام فرقان به راه افتاد. از جمله قربانیان عملیات تروریستی این گروه می‌توان از سرلشگر محمد ولی قرنی، استاد

مرتضی مطهری، دکتر محمد مفتاح، حاج مهدی عراقی و پسرش و آیت‌الله قاضی طباطبایی نام برد. همچنین این گروه در ترور افرادی مانند، آیت‌الله موسوی اردبیلی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ناکام ماند. (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۴۳۰-۴۲۹)

پس از متلاشی شدن گروه فرقان، تا مدتی موج ترورها فروکش کرده بود تا اینکه پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و وارد شدن سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به فاز نظامی عناد با جمهوری اسلامی، آتش ترور دوباره شعله‌ور شد. اعضای این سازمان، علاوه بر ترورهای کوری که بر ضد مردم عادی انجام می‌دادند، به جان چهره‌های شناخته‌شده نظام نیز سوءقصد‌های موفق و ناموفقی، مرتکب شدند که از آن میان باید به مواردی همانند ترور چندتن از ائمه جمعه، سوءقصد ناکام به جان آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ ۶ تیر ۱۳۶۰، انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران و شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران وی، و همچنین انفجار بمب در ساختمان نخست‌وزیری و شهید کردن محمد علی رجایی، رئیس جمهور، و حجت‌الاسلام باهنر، نخست‌وزیر، وقت اشاره نمود. (مؤسسه مطالعات سیاسی ۱۳۸۵، ج ۳: ۳۹۶).

پر واضح است که امام در برابر این اقدامات تروریستی به طور خاص و ترور به‌طور عام، موضع‌گیری نموده‌اند. در اینجا، تلاش داریم تا مواضع عملی ایشان را در برابر ترور مشخص سازیم.

الف) شهید خطاب کردن قربانیان ترور

امام، بلافاصله پس از اینکه هر کدام از یارانشان، مورد ترور واقع می‌گشتند، طی پیام‌ها و سخنرانی‌های خویش، در برابر این اقدامات تروریستی، موضع‌گیری می‌کردند. اولین، موضع‌گیری ایشان هم این بود که از قربانیان ترور با عنوان شهید نام می‌بردند. البته باید در نظر داشت که این افراد همگی در زمره با تقواترین و متعهدترین افراد و خدمت‌گزاران نظام اسلامی بودند که قربانی جهالت و کینه‌توزی منافقان و معاندان می‌شدند ولی شاید بتوان نتیجه گرفت که از نظر امام، هر مسلمان متعهد و با تقوایی که در اثر ترور ناجوانمردانه افراد جاهل، ناآگاه و معاندان، به قتل می‌رسد، می‌توان وی را شهید خطاب کرد.

به عنوان مثال، امام در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۱۱، پس از ترور شدن آیت‌الله مرتضی مطهری توسط

گروه فرقان، در بیانات خویش وی را شهید خطاب کردند. البته ایشان در موارد متعددی، استاد مطهری را شهید خطاب کردند:

این جانب به اسلام و اولیای عظیم‌الشان آن و به ملت اسلام و خصوصاً ملت مبارز ایران ضایعۀ اُسف‌انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالی‌مقام مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری- قدس سره- را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصیتی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با ججرویهها و انحرافات مبارزۀ سرسختانه کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۷۸).

ب) تأکید بر ادامه مبارزه و عدم ترس از ترور

امام، پس از اطلاع از هر حادثه تروریستی و آگاهی از شهادت یارانشان، در پیام‌ها و سخنرانی‌های خویش، بر ادامه مبارزه و عدم ترس از این اقدامات مذبح‌حانه، تأکید فراوان داشتند:

من قبلاً گفته بودم که غائله ایجاد می‌کنند، شیاطین؛ هر روزی به اسمی... ممکن است پس از چند روز دیگر غائله دیگر بلند بشود. از اولاد من یکی ترور بشود یا خودم... گمان نکنند که با ترور، کاری انجام می‌دهند. ملت ما راه خود را یافته است. ما از این دسیسه‌ها نمی‌ترسیم. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۱۵۷)

این تأکید ایشان از این جهت مهم است که راهی برای خنثی کردن اقدامات تروریستی محسوب می‌شود. چرا که هدف از ترور، ایجاد ترس، رعب و هراس در راستای رسیدن به اهدافی خاص است و امام، با این بیانات و رهنمودها، به‌دنبال ناکام گذاشتن اقدامات تروریستی بودند؛ زیرا از نظر ایشان، ترور به عنوان حربه‌ای سیاسی، بسیار مذموم است و همیشه ضمن دعوت به عدم ترس از اقدامات تروریستی، بر ادامه مبارزه نیز تأکید فراوان داشتند. و همچنین در سخنرانی خود در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۸، به مناسبت شهادت استاد مرتضی مطهری، فرمودند: امروز که برای تسلیت در مرگ یکی از عزیزان ما و در ترور یک نفر دانشمند اینجا مجتمع شدید، آگاهانه، مصممانه اراده دارید که بر ضد طاغوت و استعمار و استکبار مبارزه را ادامه دهید... از ترور نترسید، از شهادت نترسید. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۴۱)

ج) دستور به مقابله عملی با ترور

باید در نظر داشت که امام، علاوه بر توصیه‌های اخلاقی بر ضد ترور و توصیه به عدم ترس و ادامه مبارزه، فرامینی درباره‌ی مبارزه عملی با ترور خطاب به نیروهای امنیتی و مسئولان ذیربط صادر می‌کردند. به نظر می‌رسد که ایشان معتقد بودند که توصیه‌های اخلاقی محض، راه چاره این پدیده شوم نیست، فلذا در دستورات اکیدی به نیروهای مسئول، به مقابله شدید با این پدیده، حکم دادند. امام در پیام ۵ خرداد ۱۳۵۸ به مناسبت ترور نافر جام آقای هاشمی رفسنجانی، به پاسداران انقلاب اسلامی دستور مقابله امنیتی در برابر ترور و تروریست‌ها را دادند: امریکا و دیگر ابرقدرتها... با این تلاش‌های احمقانه نمی‌توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند... ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه‌ها مقاومت کنند، توطئه‌ها را بشکنند... پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظفند از این شخصیت‌های ارزنده انقلابی حفاظت کنند و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۴۹۵)

مشاهده می‌شود که ایشان علاوه بر اینکه معتقدند آحاد ملت بایستی در برابر چنین توطئه‌هایی مقاومت کنند، صریحاً به نیروهای امنیتی دستور دادند که اقدامات حفاظتی بیشتری در راستای مقابله با ترور شخصیت‌های انقلاب انجام دهند. از طرف دیگر، دستور صریحی به دادگاه‌ها دادند تا تروریست‌ها را مجازات کنند. البته در این مورد هم تأکید داشتند که بایستی طبق قانون اسلام، مجازات‌ها صورت گیرد. نکته جالب این است که از نظر امام، مجازات تروریست‌ها، بسیار سخت و سنگین است. در این مورد، ایشان در سخنرانی ۴ اسفند ۱۳۵۹، چنین فرمودند:

باید شماها مواظب باشید، و سپاه پاسداران هم که در شهرها هستند با شما هماهنگ باشند برای جلوگیری از اینکه... یک دسته‌ای از اشرار بخواهند درگیری ایجاد کنند و ناراحتی برای مردم... و بعضی از این اشرار که مشغول ترور هستند یا مشغول انفجار بعضی جاها هستند باید اطلاعات حاصل بشود و پیگیری بشود، و اینها معرفی بشوند به دادگاهها... آنها را مجازات کند به آن مجازاتی که اسلام برای آنها تعیین کرده است و آن مجازات سختی است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۱۴۱-۱۴۰)

ایشان به قدری بر مقابله با ترور اصرار داشتند که در تاریخ ۱۵ تیر ۶۱، پس از ترور شهید محمد صدوقی، در حکمی به آقای محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمان رسیدگی به عوامل ترور شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و مقابله امنیتی و حفاظتی در

برابر ترور را صادر کردند. امام در این فرمان، از این ترور و ترورهای مشابه ابراز نگرانی کردند و خواستار استفاده از نیروهای امنیتی آزموده و متعهد شدند. حکم ایشان بدین شرح بوده است:

بسمه تعالی

آقای محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران انجام گرفتن ترورهای مشابهی نسبت به روحانیین معظم و مؤثر همچون شهید مدنی و شهید دستغیب و شهید هاشمی نژاد و حمله به آقای احسان‌بخش و اخیراً شهادت شهید معظم مرحوم صدوقی ایجاد نگرانی و تردید و سؤال کرده است، و نسبت به پاسداران محافظ آنان بویژه محافظان شهید صدوقی سوءظن ایجاد شده است و بسیار سؤال‌انگیز گردیده است، و مثل این سرمایه‌های بزرگ جمهوری اسلامی نباید با این وضع اسفبار از دست ملت بروند. و چون مسئول این امور سپاه است، شما مأمور هستید با دقت و بررسی اطراف قضیه، و بررسی از سوابق پاسداران محافظ گزارشی بفرستید، و لازم است برای این امر مهم از پاسداران آزموده و با سابقه و متعهد استفاده شود که مثل این خسارات واقع نشود. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۷۴)

۱۵ تیر ۶۱

روح الله الموسوی الخمینی

د) محکوم کردن اعمال تروریستی و ادعاهای دروغین قدرت‌های بزرگ

امام، سرچشمه تروریسم را کشورهای غربی، ابرقدرت‌ها و به‌ویژه امریکا می‌دانستند. ایشان بارها اقدامات تروریستی و حمایت غربیان از تروریسم را محکوم کردند و در پیام ۲۲ بهمن ۶۳، کاخ سفید را ریشه تروریسم جهانی معرفی کردند:

قدرت‌های شیطانی مستقیماً و به‌وسیلهٔ عمال فاسد و سرسپرده و یا جاهل بی‌اراده... از هیچ وسیله‌ای گرچه مفتضح و واضح‌الفساد دریغ نکردند. از ترور کور اشخاص بیگناه کوچک و بازار تا انفجارهای منجر به قتل خردسالان و کهنسالان... جهانخواران که با نامهای پر زرق و برق و شعارهای طرفداری از حقوق بشر و صلح دوستی و آرامش جهان... به جان جهانیان مظلوم افتاده و فساد و ترور و قتل و غارت را در صحنهٔ گیتی

روزافزون می‌کنند... سرچشمه تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد. (امام خمینی، ۱۳۷۹،

ج ۱۹: ۱۴۸-۱۴۶)

امام، با آوردن شاهد مثال‌های زنده و گویا، نشان می‌دهند که کشورهای غربی، بزرگ‌ترین حامی ترور و گروه‌های تروریستی هستند. پس از اینکه دولت فرانسه در سال ۶۲، به طور رسمی به گروه‌های تروریستی و به‌ویژه گروهک مجاهدین خلق (منافقین)، در کشور خود پناه داد، ایشان ضمن سخنرانی‌های خود در ۲۵ مرداد ۶۲ و ۲۹ آبان ۶۲، نسبت به این عمل آشکارا حمایت‌گرانه از ترور و تروریسم، واکنش نشان دادند و دولت‌های غربی را دولت‌هایی حامی تروریست نامیدند:

... فرانسه که مرکز فساد همه دنیا شده است، کشوری که ادعا می‌کرد که اینجا مهد

آزادی و کذاست حالا این تروریست‌ها را در آنجا جای داده است... (امام خمینی، ۱۳۷۹،

ج ۱۸: ۵۵)

همچنین امام ادعاهای دروغین دولت‌های غربی، مبنی بر حمایت از حقوق بشر، ارزش‌های انسانی و محکومیت ترور را محکوم کردند و در سخنرانی‌های خود ضمن اشاره به مثال‌هایی گویا، نشان دادند که چقدر این ادعاها، دروغین و کاذب است:

آنهایی که با ادعای پوچ طرفداری از خلق ایران این طور می‌کنند و علمای بزرگ ایران

و عزیزان بزرگ ایران و دانشمندان بزرگ ایران و همه قشرها را ترور می‌کنند... شما

ملاحظه می‌کنید که یک همچو جنایت بزرگی که واقع شده است... در تمام رسانه‌های

گروهی محکومیتی در کار نبود. ارزش‌های انسانی دفن شده است در دنیا، انسانیت در

دنیا دفن شده است آنهایی که دعوی حقوق بشر می‌کنند... ندیدیم که محکوم کنند این

عمل را... (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۴۱۲)

قدرت‌های بزرگ، همیشه نشان داده‌اند که با مسئله‌ی ترور و مقابله با تروریسم، به صورت گزینشی برخورد می‌کنند. در منطق آنان، هر کسی که با آنان و در خدمت مطامع استکباری‌شان نباشد، تروریست محسوب می‌شود ولی در عین حال، از تروریست‌هایی که در خدمت خواسته‌های استکباری آنان هستند، حمایت می‌کنند. معیار طبقه‌بندی افراد، گروه‌ها، و دولت‌ها به تروریست و ضدتروریست در منطق دولت‌های غربی، همانا تبعیت از نظام سلطه است و اگر قربانیان ترور از غربیان، ابرقدرت‌ها و امریکا اطاعت نکنند، خود تروریست قلمداد خواهند شد. امام، نیز در

موارد متعددی به این مسئله اشاره کرده‌اند به‌ویژه پس از خارج کردن اسم رژیم بعثی عراق از لیست کشورهای حامی تروریسم از سوی آمریکا، این منطق دوگانه دولت‌های بزرگ را به‌خوبی نشان داده و به‌شدت محکوم نمودند:

این قدر هیاهو راه انداختند برای جلوگیری از تروریست، آن قدر تبلیغات کردند که ایران تروریست پرور است و ایران چطور جزء تروریست. عراق از جرگه تروریستها خارج شده چون سجده کرد به آمریکا، و ایران وارد شد برای اینکه اعتنای به آنها نکرده، میزان تروریستی همین است پیش آنها و خود آنها مرکز این امور هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۴۳۴-۴۳۵)

در منطق آنها، وحشی این است که رام آنها نباشد؛ چنانچه تروریسم هم آن است که تابع آنها نباشد. و لهذا. دیدید که عراق را تا وقتی رام نبود برای آمریکا، در [اردیف] تروریستها حساب کردند. همچو که رام شده، او را [از لیست تروریستها] از بین بردند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۲۷۰-۲۷۱)

نتیجه گیری

امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، در سال‌های اولیه پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، به‌شدت با پدیده ترور مواجه بودند. بین سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۵۸، شماری از بهترین یاران امام و خدمت‌گذاران جمهوری اسلامی، از جانب معاندین و مخالفین نظام، ترور شده و به شهادت رسیدند. از این رو، جمهوری اسلامی به عنوان داعیه‌دار اسلام ناب محمدی^(ص)، بزرگ‌ترین قربانی ترور در تاریخ معاصر جهان بوده است.

امام، با آنکه هیچ‌گاه به تعریف ترور نپرداخته‌اند، ولی تعریفی که از اندیشه ایشان می‌توان استخراج کرد، بسیار به تعریف کلاسیک و مصطلح ترور در علوم سیاسی، نزدیک است. ایشان، ترور را رفتاری غیر انسانی، غیر عاقلانه و ناجوانمردانه می‌دانند که از جهالت، ضعف و زبونی ترورگران، ناشی می‌شود. از این رو، ایشان به‌دلیل حرمت زیادی که برای انسان و ارزش‌های انسانی و از جمله عقل قائلند و بنا به دلایل متعدد دیگر، هر گونه توسل به ترور به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف سیاسی را مردود اعلام می‌کنند.

امام، پس از آگاهی از ترور شدن یاران‌شان، در پیام‌های خود آنان را شهید خطاب می‌کردند.

این امر، علاوه بر اینکه نشان‌دهنده اوج مخالفت ایشان با پدیده ترور است، نهایت مظلومیت و بی‌گناهی قربانیان ترور را نشان می‌دهد. امام، بارها بر مبارزه‌ی عملی، امنیتی و قضائی با ترور دستور داده و از مسئولان ذریبط خواستار مقابله با تکرار این حوادث و مقابله جدی و ریشه‌ای با پدیده ترور بوده‌اند. از سوی دیگر، امام معتقد بودند که دولت‌های بزرگ غربی به‌ویژه ایالات متحده، خود پناهگاه تروریست‌ها و منشأ تروریسم هستند.

با در نظر گرفتن بحث‌های انجام گرفته، می‌توان به این نتیجه‌گیری کلی رسید که از نظر دین اسلام و امام، به عنوان بزرگ‌ترین اسلام‌شناس و مبارز سیاسی مسلمان در دوران معاصر، ترور به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هر گونه هدفی، مطرود و محکوم است و هیچ فردی حق ندارد از آموزه‌های اسلامی برای توجیه اقدامات خشونت بار و تروریستی خود، سوء استفاده کند. اسلام، دین صلح، رحمت، آرامش مداراست و به دلیل برخورداری از منطق و برخاستن از روح و فطرت انسانی، همیشه بر استدلال عقلانی و گفتگو تأکید داشته و هیچ وقت در پی تحمیل خود با استفاده از زور و خشونت نبوده است. از این رو، اسلامی که از منابع اصیل آن، یعنی قرآن کریم و سنت نبوی، برخاسته باشد، هرگز مبنای نظری برای ترور فراهم نمی‌کند و هیچ فرد یا گروهی برای توجیه خشونت‌های خودسرانه و اقدامات تروریستی خود نمی‌تواند به دین مبین اسلام متوسل شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۷۳) *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- آقابخش، علی اکبر. (۱۳۷۹) *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: چاپار.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، چاپ سوم.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۰) *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۲۰*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۹) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- راستگو، علی اکبر. (۱۳۸۴) *مجاهدین خلق در آیینۀ تاریخ*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طلوعی، محمود. (۱۳۷۷) *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران: علم.
- علیزاده، حسین. (۱۳۷۷) *فرهنگ خاص علوم سیاسی*، تهران: روزنه.
- فوزی تویسرکانی، یحیی. (۱۳۸۴) *تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد اول.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی. (۱۳۸۵) *سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام (۱۳۸۳-۱۳۴۴)*، به کوشش جمعی از پژوهش‌گران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، جلد سوم.